



"Jangal" newspaper and press law, an analysis of the content and themes of "Jangal" newspaper from 1294 until 1300

Ghorbanali Kenarroudi¹ 

1- Corresponding author, Associate Professor, Department of Contemporary History, Research Institute of Documents, National Library and Archives of I.R. Iran, Tehran, Iran. E-mail: gh.k.edu@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received :20 September 2022

Received in revised form 28

October 2022

Accepted: 27 November 2022

Published online: 21 December

2022

Keywords:

Jangal newspaper;

Jangal movement;

Patriotism;

press law;

xenophobia;

ABSTRACT

One of the most important newspapers published in Guilan was the "Jangal" newspaper, which, while reflecting military news and announcements of the Jangal movement, was considered as its spokesperson. In this newspaper, the most important news related to the forest movement, telegrams and reports of incidents in Guilan and other parts of the world were published. In the years 1294 to 1300, "Jangal" newspaper emerged as a leading publication in the expression of political and social freedoms in the media space of Iran. Therefore, its study, in addition to understanding the thoughts and opinions of the leaders of the Jungle Movement, gives a clear picture of the political and social situation of that period of Iran's history. In this study, an attempt will be made to explain and analyze the most important components and themes of "Jangal" newspaper while examining its content, and to answer the question, "What were the most important components and themes of "Jangal" newspaper and the degree of compliance How much was it from the newly approved press law (1326 AH/18 Bahman 1286)? Seeking justice, patriotism, xenophobia, protest against the government of the time, incitement to revolt against oppression, nationalist and patriotic concerns are among the components and themes reflected in "Jangal" newspaper. Is. The review and analysis of the contents of "Jangal" newspaper shows that what made it possible to express these components and themes against the central government is the lack of executive guarantee for the press law.

Cite this article: kenarroudi, ghorbanali (2022). "Jangal" newspaper and press law, an analysis of the content and themes of "Jangal" newspaper from 1294 until 1300; *News Science*, 11 (43), 57-82





روزنامه «جنگل» و قانون مطبوعات، تحلیلی بر محتوا و مضامین روزنامه «جنگل» در سال‌های ۱۲۹۴-۱۳۰۰ ش

قربانعلی کناررودی^۱

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه تاریخ معاصر، پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران. رایانامه: gh.k.edu@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۹	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۸/۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰	
کلیدواژه‌ها:	
بیگانه ستیزی، روزنامه «جنگل»، قانون مطبوعات، نهضت جنگل، وطن خواهی	از روزنامه‌های مهم منتشر شده در گیلان، روزنامه «جنگل» بود که ضمن انعکاس اخبار نظامی و اعلامیه‌های نهضت جنگل، به نوعی سخنگوی آن به شمار می‌رفت. در این روزنامه مهمترین اخبار مربوط به نهضت جنگل، تلگراف‌ها و گزارش‌هایی از حوادث گیلان و نقاط مختلف جهان به چاپ می‌رسید. روزنامه «جنگل» در سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ ش به عنوان نشریه‌ای پیشرو در بیان آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در فضای رسانه‌ای ایران مطرح شد. از این رو مطالعه آن علاوه بر شناخت اندیشه‌ها و آرای رهبران نهضت جنگل، تصویری روشن از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره از تاریخ ایران به دست می‌دهد. در این مطالعه تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی محتوایی روزنامه «جنگل»، مهمترین مؤلفه‌ها و مضامین آن تبیین و تحلیل شود و به این پرسش پاسخ داده شود که «مهمترین مؤلفه‌ها و مضامین روزنامه «جنگل» چه بود و میزان تبعیت آن از قانون تازه تصویب شده مطبوعات (۱۳۲۶ق/۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش) به چه میزان بود؟ عدالت‌طلبی، وطن خواهی، بیگانه‌ستیزی، اعتراض به دستگاه حکومت وقت، تحریض به قیام علیه ظلم، دغدغه‌های ملی‌گرایانه و میهن‌پرستانه از جمله مؤلفه‌ها و مضامینی هستند که در روزنامه «جنگل» بازتاب پیدا کرده است. بررسی و تحلیل محتوای مطالب روزنامه «جنگل» نشان می‌دهد آنچه امکان بیان این مؤلفه‌ها و مضامین ضد دولت مرکزی را فراهم ساخته، فقدان ضمانت اجرایی برای قانون مطبوعات است.
استناد: کناررودی، قربانعلی (۱۴۰۲). روزنامه «جنگل» و قانون مطبوعات، تحلیلی بر محتوا و مضامین روزنامه «جنگل» در سال‌های ۱۲۹۴-۱۳۰۰ ش. علوم خبری، ۱۱ (۴۳)، ۵۷-۸۲	



مقدمه

استفاده از ابزار رسانه‌ای در نهضت سیاسی اجتماعی جنگل، ابتکار قابل توجهی بود که مبارزان جنگل با هوشمندی و ذکاوت خاصی اقدام به آن نمودند تا از این راه زمینه تداوم حرکت نهضت و معرفی اهداف و برنامه‌ها و فعالیت‌های آن فراهم آید. سابقه این اقدام به سال‌های پس از پیروزی انقلاب مشروطه بازمی‌گردد، علی‌رغم اینکه در عصر استبداد صغیر و حتی پس از مجلس دوم دولت و حکام و همچنین نیروهای متنفذ خارجی سعی در محدود کردن فعالیت روزنامه‌ها نمودند، اما صاحبان قلم و روزنامه نگاران بدون هیچ واژه‌ای به بیان آراء و دیدگاه‌های خود پرداختند و با وجود مشکلات سیاسی و اجتماعی و فشار بر مطبوعات طی سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ش، روزنامه «جنگل» به عنوان نشریه‌ای پیشرو در بیان آزادی‌های اجتماعی در فضای رسانه‌ای ایران خود را مطرح نمود.

مطالب و موضوعات مهم کشور، انتقاد از دخالت بیگانگان و نقض استقلال ایران، فساد سیاستمداران، حمایت از نظام مشروطه، احیای مجلس شورای ملی، اخبار جنگ جهانی، مبارزه با انگلستان و دفاع از روسیه بلشویکی از جمله مباحث و مؤلفه‌ها و مضامین پرتکرار روزنامه «جنگل» بوده‌است. مدیران و نویسندگان روزنامه «جنگل» بدون ترس از حاکمان محلی و نیروهای دولتی و یا ترس از پیگیری‌های قضایی، با صریح‌ترین عبارات، افکار و عقاید خود را درباره موضوعات اجتماعی و مسائل سیاسی روز ایران و گیلان ابراز می‌کردند. آنان از بیان احساسات تند به خائنان وطن فروش، وزیران، سپهسالارها و رجال سیاسی، هیچ‌گونه ابایی نداشتند. اکثر پژوهشگران، این روزنامه را به‌عنوان وسیله‌ای برای رهیافت به سیاست و خط مشی جنگلی‌ها مورد مطالعه و بررسی خود قرار داده‌اند.

آزادی بیان و عقیده از مشخصات دموکراسی است و به صورت اصطلاحی در مطبوعات متداول شده‌است. منظور از آن، آزادی در اظهار عقاید افراد و بیان نظرات عموم جامعه است. محدود کردن این حق، تنها به حکم قانون و به ملاحظات امنیت ملی، اخلاقی، آبرو و حقوق دیگران، امکان پذیر است. اصل آزادی مطبوعات نخستین بار در قرن هفدهم و طی مبارزات بورژوازی در اروپا پذیرفته شد و در قرن‌های نوزدهم و بیستم به تدریج در بیشتر کشورهای دنیا رسمیت یافت. اگرچه آزادی مطبوعات در جهان و ایران قانونی به شمار می‌رود، با این حال ضمانت اجرایی آن همواره، از جانب دولت‌های عصر مدرن با چالش‌هایی اساسی مواجه است.

برطبق قانون، مطبوعات می‌توانند آزادانه به جستجو و کسب آزادانه اخبار، اطلاعات و عقاید عمومی بپردازند و آنها را به هر طریق ممکن انتشار دهند. این بدان مفهوم است که براین اساس قبل از انتشار نباید هیچ محدودیت و نظارتی وجود داشته باشد و توقیف و تعطیل خودسرانه روزنامه‌ها بعد از انتشار مقدور و مجاز نیست. این مفهوم از عصر مشروطه وارد ادبیات قانونگذاری ایران شد.

در اصل سیزدهم قانون اساسی دوره مشروطیت، درباره آزادی و محدودیت‌های مطبوعات آمده است: «عموم روزنامه‌جات، مادام که مندرجات آنها محل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را .. به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و با غرایض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.»

به موجب ماده ۴۹ قانون مطبوعات ایران مصوب ۱۲۸۶ش مواردی که برای محدودیت آزادی مطبوعات در نظر گرفته شد شامل: مطالبی که مضر به اساس اسلام، هتک احترام سلطنت، افشای اسرار نظامی، دعوت علیه قوای رسمی مملکت، ایجاد هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی و باعث اشاعه صور قبیحه، بر ضد عصمت و عفت باشند. این موارد مهم‌ترین جرایم مطبوعاتی را تشکیل می‌دادند و سبب توقیف روزنامه می‌شدند.

روزنامه «جنگل» با علم و اطلاع از قانون مطبوعات مصوب سال ۱۲۸۶ش مطالب و مقالات مدیران و نویسندگان و نظرات و افکار رهبران اتحاد اسلام و جنگلی‌ها را منتشر می‌کرد. در صورتی که روزنامه «جنگل» قانون را نقض می‌کرد، می‌بایست مورد تعقیب قرار می‌گرفت. در نتیجه پر واضح است روزنامه «جنگل» مانند سایر روزنامه‌ها از این قانون مستثنی نبود و علی‌القاعده می‌بایست در صورت تخلف مورد بازخواست قرار می‌گرفت. اما چنان که از مطالب و گزارش‌های روزنامه و سایر اسناد و مدارک آشکار است روزنامه «جنگل» هیچ‌گاه مورد تعقیب و یا خطر تعطیلی قرار نگرفت.

در این مطالعه تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی محتوای روزنامه «جنگل»، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مضامین آن مورد بررسی و تحلیل واقع شود و به این پرسش اساسی که «مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مضامین روزنامه «جنگل» چه بود و میزان تبعیت آن از قانون تازه تصویب شده مطبوعات (۱۳۲۶ق/۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش) به چه میزان بود؟ پاسخ درخوری داده شود. بر اساس یافته‌های تحقیق، عدالت‌طلبی، وطن‌خواهی، بیگانه‌ستیزی، اعتراض به دستگاه حکومت وقت، تحریض به قیام علیه ظلم، دغدغه‌های ملی‌گرایانه و میهن‌پرستانه از جمله مؤلفه‌ها و مضامینی هستند که در روزنامه «جنگل» بازتاب بیشتری داشته است. بررسی و تحلیل محتوای مطالب این روزنامه نشان می‌دهد آنچه امکان بیان این مؤلفه‌ها و مضامین ضد دولت مرکزی را فراهم ساخته، ناشی از دو عامل دوری از دسترس قضایی و فقدان ضمانت اجرایی برای قانون مطبوعات بود و دیگری عدم نفوذ حکومت مرکزی و حاکمیت ضعیف و سست حکام دست‌نشانده در گیلان است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه تنها سی و نه شماره از روزنامه «جنگل» موجود و تصحیح شده‌است، پژوهش حاضر با استناد به شماره‌های یک تا سی و نه این روزنامه صورت گرفته‌است. همچنین گردآوری اطلاعات به کمک «تحلیل محتوا»ی روزنامه و با روش تاریخی انجام شده‌است.

عبدالله متولی (۱۳۹۰) در پژوهش «رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل» با تمرکز بر رسانه و روزنامه «جنگل» ارگان رسمی این نهضت، به بررسی نگرش‌ها، جهت‌گیری‌ها و مهم‌ترین اهداف جنگلی‌ها پرداخته است. از نگاه نویسنده با گسترش فعالیت نهضت جنگل، رهبران آن برای اشاعه اندیشه و تفکرات اصلاحی و انتقادی خود روزنامه‌ای موسوم به جنگل را منتشر نمودند. جنگلی‌ها در این روزنامه، ضمن معرفی دیدگاه‌ها و نگرش‌ها و اهداف خود، عملکرد حکومت مرکزی، کارکرد چهره‌های سیاسی و اقدامات روسیه و انگلیس را معرفی، نقد، و ارزیابی می‌کرد. این پژوهش همچنین مهم‌ترین دغدغه‌های نویسندگان روزنامه و نگاه آنها به شرایط جامعه را بررسی و تحلیل می‌کند.

علی کریم حدیثی (۱۳۹۲) در پژوهش خود تحت عنوان «استقلال و حفظ هویت ملی در بررسی تحلیل محتوای روزنامه جنگل ارگان رسمی نهضت میرزا کوچک‌خان» ضمن تحلیل محتوای روزنامه «جنگل» به بررسی اهداف و انگیزه‌های نهضت میرزا کوچک جنگلی پرداخته است. او نیز به بررسی سیر تاریخی حرکت میرزا و نقش وی در حرکت‌های مردم گیلان در انقلاب مشروطه و عوامل تکوین و استمرار نهضت جنگل پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نهضت میرزا کوچک خان بر استقلال کشور و حفظ هویت ملی و همبستگی و حمایت از مجلس نوظهور در کشور و پادشاهی مشروطه استوار بوده است. با نگاهی به پژوهش‌های این حوزه می‌توان دریافت که تاکنون پژوهش علمی در خصوص تحلیل محتوای روزنامه «جنگل» با هدف تحلیل و بررسی نقض یا پیروی این روزنامه از قانون مطبوعات انجام نپذیرفته است. لذا این مقاله می‌کوشد با تمرکز بر قانون مطبوعات به بررسی محتوای روزنامه جنگل و مهمترین مضامین مغایر و ناقض قانون مزبور بپردازد.

روزنامه «جنگل»

این روزنامه پس از شکل‌گیری و ایجاد ثبات در تشکیلات نهضت جنگل، از سوی هیأت اتحاد اسلام به ریاست «میرزا کوچک جنگلی» حدود سه سال و در ۳۹ شماره منتشر شد. نخستین دوره روزنامه «جنگل» از یکشنبه ۱۹ شعبان ۱۳۳۵/۲۰ مرداد ۱۲۹۶ درست ده سال پس از تصویب قانون مطبوعات (۵ محرم ۱۳۲۶ق/۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش) منتشر شد و تا شماره ۳۱ (۱۷ شعبان ۱۳۳۹/۸ خرداد ۱۲۹۷ ادامه یافت. نخستین شماره «جنگل» توسط غلامحسین کسمائی نویدی به عنوان مدیر روزنامه و به خط علی حبیبی و چاپ سنگی در کسما منتشر شد (گلی زواره، ۱۳۸۳: ۱۱۳) و از شماره دوم تا شماره سیزدهم، نام حسین کسمایی مجاهد معروف عصر مشروطه به عنوان مدیر مسئول روزنامه درج شده است (فخرایی، ۱۳۵۴: ۱۴۱). در شماره ۱۳ تا ۳۱ مجدداً نام غلامحسین کسمائی نویدی به عنوان مدیر روزنامه آمده‌است. دوره دوم روزنامه «جنگل» از ۱۳ مرداد ۱۲۹۷ تا ۱۶ دی ۱۲۹۷ در

۴ شماره منتشر گردید و دوره سوم این روزنامه از ۱۰ تیرماه ۱۲۹۹ تا ۴ مرداد ۱۲۹۹ در ۵ شماره انتشار یافت (میرزاآزاد موحد، ۱۳۹۶: ۱۳).

از نظر مشخصات ظاهری، بالای صفحه نخست، نوشته شده: «درایام هفته به قدر امکان طبع و نشر می‌گردد». اما در شماره دوم تغییری در این رویه ایجاد شد: «هفته ای دو نمره طبع می‌شود». این روال تا شماره پنجم ادامه یافت و از شماره ششم دوباره تغییری اتفاق افتاد: «هرماه چهارنمره طبع و توزیع خواهد شد». با این که روزنامه ادعا می‌کرد هر ماه چهار شماره به صورت هفتگی منتشر می‌شود، انتشار روزنامه از نظم خاصی برخوردار نبود، البته بی‌نظمی در نشر و توزیع آن ریشه در آشفتگی سیاسی جامعه آن روز گیلان و عدم ثبات سیاسی جنگلی‌ها داشت. لوگوی «جنگل» به اندازه ۶ در ۹ سانتیمتر و به صورت تایپوگرافی متقارن دیده می‌شود. واژه «جنگل» در سمت راست نوشته و از ستون حرف «ل» به عنوان خط تقارن تصویر استفاده شده و دوباره این واژه به شکل آیینوار، تصویر یافته است. این سبک طراحی، شیوه متداولی در مطبوعات متقدم بود، زیرا روزنامه «اختر» نیز ۵۰ سال قبل به این شیوه طراحی شده بود. در بخش دیگری از صفحه اول شعار و مرام روزنامه «جنگل» به این شرح درج شده است: «این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منورافکار اسلامیان است». (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۱، ۱)

از نکات مهمی که در این نشریه دیده می‌شود، ادبیات خاص آن است که با دستور زبان و کلمات عربی بسیاری آمیخته و این از ویژگی‌های بارز ادبیات «عصر بیداری» است (آریان پور، ۱۳۸۷: ۲۲۷) در این روزنامه واژگان لاتین کمتر دیده می‌شود، اما مقدار اندک آن نیز نشان از کثرت حضور «فرنگی‌ها» در ایران است. مطبوعات اغلب به زبان عامه مردم و به شکلی همه‌فهم نوشته می‌شوند و استفاده از این کلمات، ادبیات رایج عصر نهضت را نشان می‌دهد. عباراتی نظیر «راپورت»، «فابریک»، «پولتیک»، «ژنتمن» و «دیویزیون» در سراسر روزنامه جنگل به چشم می‌خورد. (نعمتی لیمائی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۴۹-۱۵۲-۱۵۴-۱۷۳)

در تقسیم‌بندی محتوایی براساس شیوه‌های امروزی، نشان می‌دهد، عمده مطالب روزنامه «جنگل» به صورت «تحلیل» یا «تفسیر» ارائه شده‌است و درج «خبر» در آن بسیار اندک است. در حقیقت وقایع و اخبار با عنوان «سرمقاله»، «سخن سردبیر» یا «تفسیر» به شکل تحلیلی بیان می‌شوند. از نظر کارشناسان علوم ارتباطات، خبر، رویداد را همان‌طور که اتفاق افتاده گزارش می‌کند؛ نه آن‌طور که خبرنگار مایل به ارائه آن است. بنابراین هرگونه تفسیر و اظهار نظر، جنبه ارزیابی ذهنی و قضاوت شخصی خواهد داشت. (بدیعی، ۱۳۸۵: ۱۰۴) با این توضیح به ندرت می‌توان مطالبی را در روزنامه «جنگل» یافت که در قالب و تعریف خبر طبقه‌بندی شود. برای مثال، طی سه شماره نخست، مدام به ضرورت توجه به «چهارمین دوره انتخابات تقنینیه» پرداخته می‌شود و حتی در شماره نخست، دولتمردان را به تمایل به تقلب در انتخابات متهم می‌کند. اما پس از رأی‌گیری، هیچ خبری مبنی بر کیفیت انتخابات، اسامی نمایندگان و اوضاع جاری به دست نمی‌دهد. به نظر می‌رسد روش خبررسانی به مردم از سوی روزنامه «جنگل» صرفاً ارائه نظرات خود درباره آن بوده است. از نظر محتوایی بیشتر اخبار و گزارش‌های روزنامه مربوط به سیاست خارجی و نقش دولت‌های بیگانه و کمتر به اخبار و مباحث داخلی توجه داشته‌است. به طور کلی از نظر محتوایی گزارش‌های روزنامه «جنگل» را به سه دسته: ضدیت با انگلستان، سیاست دوستی با بلشویک‌ها و دشمنی با دولت‌های دست‌نشانده ایرانی که مستقیم عامل و مجری فرامین انگلیسی‌ها بودند، می‌توان تقسیم نمود. نویسندگان روزنامه از آزادی بیان موجود از دوره نخست دولت را مورد هجوم مقاله‌های تند و زهرآگین خود قرار دادند. از دوره دوم و سرانجام دوره سوم انتشار روزنامه «جنگل» سراسر به بدگویی از دولت و نقش انگلیسی‌ها در ایران می‌پردازد. دوره سوم انتشار روزنامه بیش از هر چیز به دفاع از سیاست‌های شوروی سوسیالیستی پرداخته و نهایت استفاده را نموده است (گلی زواره، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

گیلان و نهضت جنگل:

دوره شکل‌گیری، تثبیت و سرانجام فرجام جنگل یکی از دوره‌های مهم تاریخی گیلان است که آگاهی‌های تاریخی زیادی از این دوره در دسترس است. زیرا فراوانی انتشار خاطره‌ها، گزارش‌های تاریخی، اسناد آرشیوی، تصاویر، فیلم‌های تاریخی، روزنامه‌ها، گزارش‌های سیاسی حکام و نمایندگان خارجی و ده‌ها سند و مدرک دیگر موجب می‌شود که محققان با ابزارهای بیشتری درباره

اوضاع این دوره به پژوهش پردازند (پناهی، ۱۳۹۶: ۲۵). مردم گیلان در این دوره از بیماری‌های مهلکی که در دوره‌های نخستین و میانی عصر قاجار دامن‌گیرشان شده بود رهایی یافته و حتی اغلب مردم ایران، که هم‌زمان با جنگ جهانی اول درگیر آنفولانزای اسپانیایی و قحطی شده بودند، کمتر آسیب دیده بودند، با این حال مردم گیلان گرفتار بالای خانمان سوز دیگری به نام ملاکین خودرأی و حضور بی‌رحمانه روسیه تزاری بودند. این دو عامل نقش مهمی در فضای فکری، سیاسی و اجتماعی مردم گیلان داشت. «رایینو»، نایب کنسول انگلستان در رشت، تصویر خوبی از اوضاع گیلان در سال‌های نزدیک به شکل‌گیری نهضت جنگل در گیلان ارائه می‌دهد. وی جمعیت گیلان را در آغاز قرن بیستم حدود ۳۳۸ هزار و ۳۰۰ نفر تخمین زده است (رایینو، ۱۳۷۴: ۲۸۵). گزارش یاد شده بیانگر جمعیت قابل توجه و تأثیرگذار گیلان در سال‌های نزدیک به مشروطه و عصر نهضت جنگل بوده است. با این وجود، این تعداد از جمعیت گیلان نشان‌دهنده تأثیرگذاری آنها در مشارکت‌های سیاسی این منطقه نیست. زیرا اغلب جمعیت گیلان در مناطق روستایی ساکن بوده و روستاییان نیز تحت سلطه اربابان دهکده‌ها بودند. حکام و مالکان تلاش داشتند تا بر همه جنبه‌های فکری و اجتماعی روستاییان مسلط باشند. از این رو هدف آنان جلوگیری از طغیان روستاییان و دور نگه داشتن رعایا از روشنفکران شهری بوده است (رواسانی، ۱۳۸۱: ۱۹)، لذا انتشار روزنامه محلی «جنگل» خدمت بزرگی به جمعیت قابل توجه این منطقه، که در نتیجه ارتباط با اروپا و قفقاز از آگاهی خوبی برخوردار بودند، محسوب می‌شد (پناهی، ۱۴۰۰ الف: ۱۹).

آزادی، قانون خواهی و دموکراسی یکی از اصول اساسی‌ای بود که مشروطه‌خواهان تمامی تلاش‌های خود را جهت برپایی آن به کار بستند. توجه و علاقه مردم گیلان به انقلاب مشروطیت برای کسب آزادی، علل و جهات مختلفی داشت. نخست آن که آزادی خواهی با سرشت مردم گیلان عجین شده است، نیاکان آن‌ها در طول تاریخ همواره علیه جور و ستم به پا خاسته و برای استقرار عدالت اجتماعی فداکاری‌ها کرده‌اند. آن‌ها ذاتاً استعداد قبول رژیم دموکراسی و حکومت مشروطه را داشتند. دوم آنکه علاقه فراوان مردم گیلان به ادب و فرهنگ و آشنایی بیشتر آنان به مظاهر تمدن، از علل مهم گرایش به کسب آزادی و رهایی از قید استبداد و اختناق بود. آزادی خواهان گیلان با فداکاری و ایثار به استقبال خطر رفته و برای کسب آزادی از بذل جان و مال دریغ نکردند و سوم نارضایی شدید مردم گیلان از اوضاع آشفته و نابسامان منطقه بود که آنان را برای هرگونه قیام و جنبشی برانگیخت (حاج سیدجوادی، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

حکومت مرکزی برای کنترل اوضاع گیلان به نفع خود، همواره از حاکمان مستبد و فاسد استفاده می‌کرد تا راه قیام مردم گیلان را مسدود و منافع حکومت مرکزی را تأمین کند. در حالی که این تدابیر برای بلندمدت هرگز به نتیجه نرسید؛ زیرا شرایط جغرافیایی گیلان و ارتباط با اروپا از مسیر روسیه موجب ارتباط گسترده گیلانیان با افکار آزادی خواهانه روشنفکران ایرانی و غرب می‌گشت. در نتیجه این تأثیرپذیری بر فضای فکری، سیاسی و اجتماعی ایران نیز تعمیم می‌یافت.

با شروع جنگ جهانی اول و ورود قوای روس و انگلیس به ایران و گیلان، این منطقه به‌عنوان معبر قوای نظامی دولت‌های بیگانه انتخاب شد. سربازان خارجی هنگام عبور از شهرها، به اموال و ناموس مردم دست درازی می‌کردند و سبب ناامنی در شهرها می‌شدند. (خمامی‌زاده، ۱۳۷۴: ۴۹۱) دولت مرکزی به هیچ روی امکان مقابله با قوای بیگانه را نداشت. هرچند در این زمان ایران فاقد دولت مرکزی، به معنای واقعی آن، بود. در نتیجه روس‌ها نه تنها حاکم بلامنازع گیلان، بلکه تمامی صفحات شمال خاوری، شمال و شمال باختری ایران بودند.

هم‌زمان با افزایش نفوذ روسیه و انگلستان در ایران، آلمانی‌ها و عثمانی‌ها نیز توانستند با شعارهای خود برخی از منورالفکران ایرانی را به سوی خود جلب کنند. پس از ناکامی مشروطه‌خواهان و نفوذ روزافزون روسیه و انگلستان و وقوع جنگ جهانی اول و همچنین تبلیغات عثمانی و آلمان، اندیشه اتحاد اسلام در میان میلیون‌ها ایرانی مورد توجه قرار گرفت و کوچک خان در گیلان با الهام از آن، ایدئولوژی اتحاد اسلام را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. ایدئولوژی اتحاد اسلام تا مرداد ۱۲۹۷ که در نتیجه انشعاب و انشقاق پس از پیمان ترک مخاصمه با انگلیسی‌ها روی داد، مهم‌ترین اندیشه سیاسی جنگلی‌ها به‌شمار می‌رفت. هرچند اندیشه اتحاد اسلام با ایده‌آل‌هایی که عثمانی‌ها در سر داشتند، دارای تفاوت‌هایی در عرصه عمل بوده است؛ زیرا واقعیت‌های سیاسی و نظامی نهضت جنگل در مسیری حرکت کرد که امکان اجرای طرح‌ها و اندیشه‌های عثمانی‌ها که به معنای سرسپردگی جنگلی‌ها به آنان بود، عملی نشد. از یک سو، پیوند دو مفهوم اترناسیونالیسم و ایدئولوژی پان‌اسلامیزم با ملی‌گرایی‌ای که جنگلی‌ها در مرامنامه خود و روزنامه «جنگل» بارها به آن تأکید داشتند، در تعارض بود و بعدها

نیز با توجه به آشکارشدن سیاست‌های پان‌ترکی نیروهای نظامی عثمانی در اشغال مناطق غرب ایران و عدم حمایت جدی آنان در برابر انگلیسی‌ها، به پذیرش پیشنهاد انگلیسی‌ها مبنی بر عدم همکاری با عثمانی‌ها از سوی جنگلی‌ها شد. این مسأله، نخستین ضربه بر ترکیب متجانس جنگلی‌ها بود و سبب جدایی برخی از رهبران آن شد. کمی بعد، با ورود بلشویک‌ها نیز دیگر اثری از اندیشه اتحاد اسلام در نهضت دیده نشد. (پناهی، ۱۳۹۹: ۵)

قانون مطبوعات و مسأله آزادی بیان

آزادی بیان از مشخصات دموکراسی است و به صورت اصطلاحی در مطبوعات متداول شده‌است. منظور از آن، آزادی در اظهار عقاید افراد و بیان نظرات عموم جامعه است. محدود کردن این حق، تنها به حکم قانون و به ملاحظات امنیت ملی، اخلاقی، آبرو و حقوق دیگران و ... مقذور خواهد بود. (معتمدنژاد، ۱۳۸۲: ۲۶۶) اوایل قرن هفدهم، طی مبارزات بورژوازی اروپاییان، اصل آزادی مطبوعات پذیرفته شد و در قرن‌های نوزدهم و بیستم به تدریج در بیشتر کشورهای دنیا رسمیت یافت. (همان: ۲۳) اگرچه آزادی مطبوعات در جهان و ایران قانونی به شمار می‌رود، با این حال ضمانت اجرایی آن همواره، از جانب دولت‌های عصر مدرن در ایران با چالش‌هایی اساسی مواجه بوده‌است. به گونه‌ای که مسأله آزادی بیان در ایران همواره به عنوان پاشنه آشیل دولت‌های ایرانی از عصر مشروطه تاکنون بوده و با این مسأله نتوانسته‌اند رابطه خوبی برقرار نمایند.

نخستین قانون مطبوعات در ایران در زمان ریاست احتشام‌السلطنه در روز شنبه پنجم محرم سال ۱۳۲۶ق/۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش در شش فصل و پنجاه و دو ماده و با حضور هشتاد و هشت نفر نماینده مجلس شورای ملی و رأی موافق هفتاد و شش نفر از آنان تصویب شد. مواد ششم تا شانزدهم این قانون، ضوابط و مقررات چاپ و انتشار هرگونه روزنامه و مجله در ایران را به شرح زیر تعیین کرده است:

۱. هر روزنامه و مجله‌ای باید مدیر مسؤل داشته باشد و مسؤلیت مستقیم روزنامه و مجله در قبال مطالب منتشره بر عهده مدیر روزنامه است.
۲. قبل از چاپ و انتشار روزنامه مدیر مربوطه باید اسم و رسم مدیر و محل اداره روزنامه، چاپخانه، عنوان روزنامه و مجله و ترتیب انتشار آن را به صورت روزانه، هفتگی یا ماهانه، تیراژ و مسلک و مرام روزنامه را با امضای مدیر مسؤل به نظارت انطباعات بفرستد.
۳. دو نسخه از هر روزنامه و مجله بایستی به اداره معارف آن شهر و دو نسخه به کتابخانه ملی فرستاده شود.
۴. روزنامه مسؤل است تا مقاله جوابیه به نویسندگان مقالاتی که به اشخاص و ادارات و غیره تعرضی کرده‌اند، در شماره بعدی خود منتشر نماید.
۵. هر کس روزنامه و یا اوراق ممنوعه را وارد و انتشار دهد از یک ماه تا یک سال حبس خواهد شد.
۶. در صورت ارتکاب تخلف از قانون مطبوعات مدیر مسؤل روزنامه و مجله از پنج تا صد تومان جریمه خواهد شد. (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ کتابچه قانون مطبوعات ۱۳۲۶ق به خط عمادالکتاب، ۹-۴).

برطبق قانون مزبور، مطبوعات می‌توانند آزادانه به جستجو و کسب آزادانه اخبار، اطلاعات و عقاید عمومی بپردازند و آنها را به هر طریق ممکن انتشار دهند. (معتمد نژاد، همان: ۲۴ و ۲۵) این بدان مفهوم است که براین اساس قبل از انتشار نباید هیچ محدودیت و نظارتی وجود داشته باشد و توقیف و تعطیل خودسرانه روزنامه‌ها بعد از انتشار مقذور و مجاز نیست. این مفهوم از عصر مشروطه وارد ادبیات قانون‌گذاری ایران شد.

در اصل سیزدهم قانون اساسی دوره مشروطیت، درباره آزادی و محدودیت‌های مطبوعات چنین آمده است: «عموم روزنامه‌جات، مادام که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه

را به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و با غرایض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.» (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ معتمدنژاد، همان: ۲۸۶)

به موجب ماده ۴۹ نخستین قانون مطبوعات ایران مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ هـ ق/ ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ ش مواردی که برای محدودیت آزادی مطبوعات در نظر گرفته شد شامل: مطالبی که مضر به اساس اسلام، هتک احترام سلطنت، افشای اسرار نظامی، دعوت علیه قوای رسمی مملکت، ایجاد هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی و باعث اشاعه صور قبیحه و بر ضد عصمت و عفت باشند است. این موارد از مهم‌ترین جرایم مطبوعاتی شناخته و سبب توقیف روزنامه می‌شدند. در همین قانون به موجب مواد ۳۴ تا ۳۹ «هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد» نیز جرم شناخته شده بود؛ اما مجازات آن نسبت به جرائم سابق خفیف‌تر بود (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ معتمدنژاد، همان: ۲۸۶).

آزادی بیان و روزنامه «جنگل»

در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن محدودیت‌های آزادی مطبوعات و جرایم مطبوعاتی پیش‌بینی شده بود. نخستین قانون مطبوعات ایران نیز به تقلید از قانون مطبوعات فرانسه مصوب شد و بر مبنای نظام «تنبیهی» استوار بود (معتمد نژاد، همان: ۱۰۲). براساس آن تنها ارائه «اعلام نامه» ای از سوی متقاضی به اداره معارف وقت برای انتشار روزنامه یا مجله کفایت داشت. اما عمر این قانون دیری نپایید و به دوره صدارت علاءالسلطنه، در ۱۸ شوال ۱۳۳۵ ق/ ۱۶ مرداد ۱۲۹۶ ش، تأسیس نشریات منوط به کسب امتیاز و اجازه شد. (همان: ۱۰۳ و ۱۰۴) روزنامه «جنگل» از این قانون مستثنی نبود و علی‌القاعده می‌بایست در صورت تخلف مورد بازخواست قرار می‌گرفت. اما چنان که از مطالب و گزارش‌های روزنامه و دیگر اسناد و مدارک آشکار است هیچ‌گاه مورد تعقیب و یا خطر تعطیلی قرار نگرفته است. این مسأله بیش از هر چیز ناشی از دو عامل بود. نخست اینکه دور از دسترس قضایی و سیاسی حکومت مرکزی منتشر می‌شد و دیگر این که حکومت مرکزی نفوذی در ایالت گیلان نداشته است.

اگرچه این محدودیت دو ماه پس از انتشار نخستین شماره روزنامه «جنگل» مصوب شد و شامل حال آن نمی‌گردید، اما طبق قانون قبلی صاحبان نشریه مذکور باید به اداره معارف «اعلام نامه» ارائه می‌کردند. تنها در شماره نخست روزنامه «جنگل» مطلبی با عنوان «اعتذار» آمده است که نقض این قانون را نشان می‌دهد: «...جهت طبع و نشر بدون امتیاز از وزارت جلیله معارف، همانا فوت وقت بوده است و انتشار بحران کابینه؛ لذا به موجب این اولین شماره از آن مقام منبع امتیاز جریده را خواهانیم.» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۱: ۱) باوجود ضرورت قانونی اطلاع به اداره معارف، مدیر روزنامه «جنگل» اقدامی در این خصوص نکرده و ادامه انتشار آن نشان می‌دهد برخوردی از سوی دستگاه نظارتی با آن صورت نگرفته است.

در فصل آخر قانون مطبوعات مصوب پنجم محرم ۱۳۲۶ ق/ ۱۸ بهمن ۱۲۹۶ ش - یعنی ده سال پیش از قیام جنگل - مواردی که موجب توقیف روزنامه‌ها می‌شود به شرح زیر آمده است:

۱- ماده ۳۴: «هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا هیأت ... و مطلقاً هرگونه تخفیف و تحقیر، خواه به معنی باشد، خواه به الفاظ نالایق مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود.»

۲- ماده ۳۵: «هرکس نسبتی از نسبت‌های مندرج در ماده ۳۴ را ... به یکی از محاکم عدلیه یا اجزاء حربیه یا انجمن‌ها یا ادارات دولتی بدهد... از هشت روز الی یک سال جیبس خواهد شد و اگر وسیله انتشار آن نسبت‌ها روزنامه باشد در مدت مشخصه توقیف خواهد شد...»

۳- ماده ۳۶: «حکم‌های مذکور در ماده ۳۴ هرگاه آن نسبت‌ها به وزیری یا مبعوثی، ... یا از کارگزاران امور دولتی یا از پیشوایان مذهب اسلام ... در صورتی که آن نسبت و افترا راجع به حیثه مسئولیت آنها باشد.»

۴- در ماده ۳۸ آمده است: «نوشتن فحش، ناسزا و الفاظ قبیحه، اکیدا ممنوع است ... اگر نسبت به اشخاص مذکور در ماده ۳۷ باشد... روزنامه از هفت روز الی سه ماه تعطیل خواهد شد...». (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ کتابچه قانون مطبوعات ۱۳۲۶ق به خط عمادالکتاب، ۹-۴)

در ایام انتشار روزنامه «جنگل»، نکته مهمی دیده می‌شود و آن عدم ذکر نام نویسندگان است. تنها ۱۴ عنوان مطلب در این روزنامه صاحب نام نویسنده است که البته از این میان ۵ عنوان به غلامحسین کسمایی، سردبیر روزنامه تعلق دارد و ۹ عنوان دیگر به صورت درخواست یا اعلان و تنها در دو مورد مطالب انتقادی بوده‌است.

گرچه نشریات - به دلایلی که به آن خواهیم پرداخت - از خطر تعطیل در امان بوده‌اند، اما باز هم نویسندگان مطالب انتقادی با اسامی مستعار یا بدون نام، مطالب خود را چاپ می‌کردند. به نظر می‌رسد نویسندگان به خاطر ناامنی اجتماعی و از ترس برخوردهای حکام با شخص نویسنده، از نوشتن نام خود سر باز می‌زدند.

عناوینی چون «ابن الوقت»، «دخو»، «زبان آزاد»، «امضا محفوظ»، «تی نوکر تقی» و امثالهم در روزنامه «جنگل» بی‌شمارند و از فضای بسته سیاسی برای بیان انتقادات سخن می‌گوید. این مطلب نشان می‌دهد که اصول تأکیدشده در قانون مطبوعات آن دوران تا چه اندازه از سوی مطبوعات عصر مشروطه نادیده گرفته می‌شد و اگر مجموعه یک روزنامه از اعمال قدرت در امان بود، قطعاً دلایلی دیگر داشت. به طور کلی یکی از ویژگی‌های فکری و اجتماعی پس از تشکیل نهاد مجلس در ایران عدم پذیرش قانون و قانون‌گریزی بود. این مسأله در تمامی سطوح اجتماعی ایران، از شاه تا رعیت، قابل مشاهده است و در نتیجه این عامل و عوامل دیگر، نقش مهمی در ناکامی نخستین تلاش‌ها جهت نهادینه نمودن قانون در ایران داشت.

افکار عمومی و روزنامه «جنگل»

افکار عمومی، نیرویی غیر رسمی و نهفته در درون یک جامعه است که بخش بزرگی از آن معمولاً ناپیدا است. تاریخ بررسی افکار عمومی از قدمت بسیاری برخوردار است، ظاهراً «ژان ژاک روسو» در سده هجدهم میلادی به تبیین این موضوع و نقش آن در ثبات و بی‌ثباتی یک جامعه پرداخته‌است (زارعیان، ۱۳۸۶: ۱).

عوامل بسیاری در شکل‌دهی افکار عمومی جامعه مؤثرند که از آن جمله می‌توان به نقش رسانه‌ها اشاره کرد. پژوهشگران حوزه رسانه بر این عقیده‌اند؛ وسایل ارتباط جمعی می‌توانند تأثیرات عمیقی بر روی جامعه بگذارند و یا عقاید موجود را تقویت کنند. (همان: ۲۵) لذا روزنامه «جنگل» به عنوان یکی از رسانه‌های صاحب مخاطب آن عصر، از تأثیرگذاری قابل توجهی برخوردار بوده و حکام مجبور بودند نظرات آن را کنترل کنند. با این حال چنین نظارتی از سوی دولت دیده نمی‌شود. هرگاه فضای باز سیاسی و انتقادی بر رسانه‌ها حاکم باشد، یعنی افکار عمومی در رسانه‌ها توان تجلی یافته‌است و دولت‌پذیری انتقادات است. اما حکومت احمدشاه قاجار، قادر به اداره جامعه نبود و دولت‌های آن دوره نیز تحت تأثیر منویات دولت انگلیس و روسیه بودند. با این وصف، در روزنامه «جنگل» انعکاس افکار عمومی و صدای مردم قحطی‌زده را می‌بینیم که ضمن انتقاد از اوضاع سیاسی و دیپلماسی خارجی، حقوق خود را با صراحت و تندی و در بسیاری از موارد با پرخاش طلب می‌کنند. به عنوان نمونه در شماره ۲۲ به صراحت و دقت درباره وطن‌فروشی سه رئیس‌الوزرا گزارش می‌دهد و درباره نفر چهارم می‌گوید که چون وطن را به تاراج نداده، مورد انتقاد و شماتت واقع [شده است] (روزنامه جنگل ۱۳۳۶، ش ۲۲: ۴ و ۵).

نمونه‌های بسیاری از این شیوه تنویر افکار عمومی در روزنامه «جنگل» به چشم می‌خورد و طبق قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۶ق/۱۲۸۶ش چنین اتهاماتی به رجال مملکتی بدون ذکر سند و دلیل محکمه‌پسند، سبب صدور حکم علیه روزنامه می‌شود. با این وجود انتشار نشریه ادامه می‌یابد. اگر این رویه در دول دموکرات جریان می‌یافت، ممکن بود بتوان دلایل دیگری برای آن اقامه کرد. اما چون جامعه آن دوران دموکرات نیست، نمی‌توان رویه سلطنت را «اهمیت به افکار عمومی» نامید. بلکه به نظر می‌رسد متون روزنامه‌ها رصد نشده یا اگر نظارتی وجود داشته، نظر حاکم بر جامعه و روشنفکران آن اهمیتی نداشته‌است. نکته قابل توجه

این است که از این دسته اعتراض‌ها به رجال و درباریان، بخش قابل توجه‌ای از گزارش‌ها و مطالب روزنامه «جنگل» را به خود اختصاص داده‌است.

نابسامانی‌های اجتماعی و فقدان اقتدار حکومت مرکزی

نمونه‌های بی‌شماری از هرج و مرج و آشفتگی امور ایران و گیلان در مقاله‌ها و گزارش‌های روزنامه «جنگل» دیده می‌شود. نویسندگان روزنامه بر این عقیده‌اند؛ علت اوضاع پریشان جامعه را تنها نمی‌توان به فقدان قوانین متناسب دانست. بلکه چون هیچ ضمانت اجرایی قدرتمندی برای قوانین وجود ندارد. نمونه‌های زیر به خوبی اوضاع آشفتنه نهادهای اجتماعی و اداری را نشان می‌دهد. البته در موارد بسیاری این روزنامه خود نیز مروج بی‌قانونی و عدم احترام به دستورات دولت و مجلس است. به عنوان نمونه، خود روزنامه «جنگل» از ارائه «اعلان‌نامه» به اداره معارف سر باز زده و دلیل آن را ضیق وقت عنوان کرده‌است. با این حال ادامه انتشار نشریه بدون مانع و مشکل، نشان می‌دهد هیچ نوع ضمانت اجرایی برای این قانون وجود نداشته‌است. در شماره ۲۵ «جنگل»، مطلبی با عنوان «ایران معارف ندارد؛ یعنی هیچ ندارد» آمده و به شرح ضعف دستگاه معارف در ایران پرداخته است. نویسنده «وزیر معارف» را جز عنوانی بیش نمی‌داند. (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره ۲۵) در میان هیاهوی جنگ جهانی و غوغای انگلیس و روسیه در ایران، بی‌توجهی به موضوع معارف و فرهنگ چندان عجیب نیست. اما این نوشته‌ها تا اندازه‌ای ذهن گردانندگان روزنامه «جنگل» را به خود مشغول داشته و نزدیک به نیمی از مقالات و نوشته‌های روزنامه درباره این موضوع است.

یکی از ویژگی‌های اجتماعی دهه پایانی عصر قاجار، گسترش ناامنی و هرج و مرج در ایران است. این هرج و مرج، به‌ویژه با اقدامات سربازان و مأموران روسیه تزاری، افزوده می‌شد. روزنامه «جنگل» به نقل از نشریه «ستاره ایران» گزارشی فاجعه‌بار از این شرایط در ایران ارائه می‌دهد: «روز سه شنبه از کرمانشاه خبر می‌دهند که روس‌ها ۱۸ نفر از اهالی را به دار زده، معدوم می‌نمایند. تاکنون بر ما کشف نشده که آنها از چه طبقه می‌باشند» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره اول). سپس در ادامه مطلبی آورده که از ظلم و تعدی روس‌ها به مردم کرمانشاه و چپاول به مردم گزارش می‌کند. علاوه بر این مورد، در بخش دیگری با عنوان «سانسور» به نقل از روزنامه «بامداد روشن» ادعا می‌کند روس‌ها به سانسور تلگراف‌های منطقه همدان می‌پردازند و در این باره انتقاد می‌کند (همان).

خاطرات و گزارش‌های برخی از شخصیت‌های سیاسی این دوره، چنین رویدادهایی را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد این نوع حوادث، موردی و اتفاقی نبودند و همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی ایران را به خود مشغول داشته‌است. کوچکپور در یادداشت‌های خود به هنگام خدمت در شهربانی، از تعرض نظامیان روس به دکانی می‌نویسد و اشاره می‌کند که به عنوان افسر کشیک با آنها درگیر و مجروح می‌شود، از سوی فرمانده روس‌ها مورد بازخواست قرار می‌گیرد و حتی تهدید به اعدام می‌شود (کوچکپور، ۱۳۶۹: ۸). این ماجرا، قدرت قشون روسیه را در تجاوز به حریم ایرانیان روشن می‌سازد.

آنچه از گزارش‌های یادشده می‌توان استنباط نمود این است که، حکومت احمدشاه قاجار نه تنها قدرت ممانعت از دست‌اندازی‌های بیگانگان را نداشت، بلکه توان بازخواست و اعتراض به آنها را نیز در خود نمی‌دید. در امور داخلی نیز، امکان رسیدگی به مسائلی چون نحوه انتشار و محتوای روزنامه‌ها را نداشته‌است. روزنامه «جنگل» در شماره ۸، مطلب جالب توجهی از اوضاع اداری آورده‌است. پست‌خانه که باید امین مراسلات مردم باشد، نیازهایش را از مرسولات مردم مرتفع می‌سازد. به دنبال شکایت برخی از مشترکان روزنامه «جنگل»، به خاطر عدم وصول روزنامه، اداره پست رشت چنین پاسخ می‌دهد: «بلی چند شماره! گویا ۴ شماره نرسیده‌است و من حاضریم قیمت آن را رد کنم. زیرا که این چند شماره برای پست‌خانه لازم بود؛ ما برداشتیم!» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۸: ۷). اوضاع درهم ریخته دیوانی و اداری یکی از عوارض ضعف دولت مرکزی است. در ادامه همین صفحه آمده‌است: «وقتی ادارات و دوایر شهری بی‌مدیر است و به اصطلاح چراغ خاموش است و آسیا می‌گردد، مسلم است حال قراء و قصبات ... بهتر از مرکز گیلان نخواهد بود». (همان)

در شماره یازدهم روزنامه «جنگل» آمده است: «ما منتظریم روسیه آزاد به ... ابطال آن چیزهایی که ماحی استقلال ما است، بلکه به مساعدت‌های عملی، ما را معاونت کرده تا نگذاریم انگلیس ایران را مانند سایر قطعات مستملکه خود به زنجیر اسارت مقید نماید.» (۱۳۳۵، ش ۱۱: ۴) در شماره چهاردهم به نقل از «یک نفر ایرانی»، اوضاع لاهیجان را نابسامان توصیف می‌کند. نویسنده وضعیت این شهر را به هنگام ورود حاکم به تصویر می‌کشد و از تعرض حاکم و همراهان او به جان و مال و ناموس مردم در هنگام ورود به شهر شکایت می‌کند (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۱۴: ۴) این حکام در اموری که نفع شخصی و وابستگان شان در میان بود به هر نحو و صورتی دخالت می‌کردند و در سایر امور، مردم را به حال خود وانهادند.

در شماره چهاردهم از اوضاع بد عمرانی خبر می‌دهد و شکایتی مبنی بر تخریب پل راه شوسه پیربازار طرح می‌کند و معتقد است از زمان بسیار دوری این خرابی وجود دارد و برای مردم مشکلات بسیاری رقم زده است، اما هنوز ترمیم نشده است. (همان: ۸) در شماره پانزدهم نیز که بعد از ۲۳ روز به چاپ می‌رسد، همین مطلب دوباره به مسئولان گوشزد می‌گردد (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۱۵: ۷) و نشان می‌دهد که هیچ اقدامی در این باره نشده است.

در شماره هفدهم روزنامه جنگل حکایت قابل تأملی به چشم می‌خورد، این روزنامه می‌نویسد: «یک جوان بی‌شرف، مخاطب السلطان، برادر زاده مفاخر الدوله ...، بی آنکه از هیچ سمتی تعرضی یا تهدیدی مشاهده نماید دو نفر صاحب منصب و ۲۵ نفر سالدات روس را به اسم محافظت خود به عمارت حکومتی آورده و منزل داد... [بر اثر انتشار آن] نزدیک بود کار منجر به جاهای نازکی شود. آقای عزت اله خان، نماینده هیأت محترم اتحاد اسلام ... به فوریت از هیجان اهالی جلوگیری کرده با قونسولگری و ریاست قشون دولت دموکراسی روسیه داخل مذاکره گردیده... بلافاصله صاحب منصب و سالدات‌ها را از عمارت حکومتی امر به اخراج نمودند و آنها نیز خارج. اهالی از اضطراب خاطر و هیجان آسوده شدند» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۱۷: ۵).

این موارد و موارد دیگری چون، ناتوانی و عاجز بودن مسئولان در تهیه ارزاق در ایام قحطی (۱۳۳۶، ش ۱۷: ۴)، فقر و فلاکت مردم و نقش هیأت اتحاد اسلام و مردم «نوع پرست و دین‌دار» به ساماندهی ۷ هزار فقیر که از شهرها به روستاها آمده بودند (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۲۲: ۶) در شماره‌های مختلف روزنامه درج شده است.

روزنامه «جنگل» و موارد نقض قانون

با تورق در روزنامه «جنگل» موارد متعددی می‌توان یافت که نویسندگان روزنامه، قانون مطبوعات عصر خود را زیر پا گذاشته و بر اساس همان قانون از سوی دولت می‌بایست مورد تعطیلی قرار می‌گرفت. با این وجود به جهت عدم دسترس بودن جنگلی‌ها و فقدان نفوذ سیاسی و قضایی دولت و مأموران آنها در گیلان، روزنامه «جنگل» بدون هیچ مزاحمتی به انتشار خود ادامه می‌داد. البته همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، روزنامه جنگل از نظر محتوا کمتر به روزنامه‌های واقعی شباهت داشت، زیرا به صورت هفتگی و گاه ماهانه بسته به میزان قدرت و ضعف جنگلی‌ها منتشر می‌شد. از طرف دیگر این روزنامه در نقش رسانه جنگلی‌ها جهت ارائه دیدگاه‌ها و بیانات رهبران آنان عمل می‌کرد و کمتر به اخبار مردم و توده‌های اجتماعی می‌پرداخت. نقد حاکمیت، دولت مرکزی، انگلستان و سیاست پیروی از دوستان و هم‌پیمانان سیاسی بیشترین داده‌های این نشریه را به خود اختصاص داده است.

با وجود نقد رفتارهای حاکمان در روزنامه، گاه و بیگاه دولت نیز از اظهار نظرهای روزنامه، به‌ویژه در به چالش کشیدن سیاست‌های انگلستان در ایران، خشنود می‌شد. زیرا این اقدام جنگلی‌ها موجب کاهش فشار انگلیسی‌ها بر دولت وقت می‌شد. در نتیجه، گاهی، دولت نیز از آنها به صورت پنهانی حمایت می‌کرد. اما با بررسی روابط دولت مرکزی با نهضت جنگل، به راحتی می‌توان دریافت که حکومت قاجار و دولت نمی‌توانست با تمام آرای جنگلی‌ها و روزنامه «جنگل» موافق باشد.

مهم‌ترین عامل عدم اجرای اعمال سیاست و نظارت بر روزنامه جنگل، عدم دسترسی و تسلط دولت مرکزی بر این روزنامه بوده است. چراکه بُعد مکانی بین قانون قدرت در تهران و انتشار روزنامه در رشت، ممکن است سبب شود که تمام نسخ آن به دست مسئولان نرسیده یا دیر به دیر از محتوای آن آگاهی یابند. به هر حال آنچه روشن است این است که دولت سازوکار مناسب را برای تعدیل مطالب مندرج در روزنامه در اختیار نداشته است. مهم‌ترین مصادیق نقض قانون توسط روزنامه «جنگل» شامل:

توهین به مقامات مملکتی؛ یکی از ویژگی‌های روزنامه جنگل، در تمامی شماره‌هایی که در دسترس ما است، سرزنش و توهین به مقامات حکومتی و تاختن بر شخصیت و کارکردهای آنان است. از مهم‌ترین رجال مملکتی که به موجب این روزنامه مورد تحقیر، استهزا و یا دشنام قرار گرفته‌اند، می‌توان به فرمانفرما، محمودلی‌خان تنکابنی (سپهسالار یا رئیس‌الوزرا)، سردارنصرت، ظل‌السلطان، میرزامحمودخان (رئیس تأمینات رشت)، سپهدار اعظم سردارمنصور و امین‌الدوله اشاره کرد.

در این میان محمودلی‌خان تنکابنی، با لقب سپهسالار، بارها مورد توهین نویسندگان روزنامه قرار گرفت و فراوانی بالاتری نسبت به دیگران دارد. به نظر می‌رسد به جهت نقش وی در مقامات بالای اداری دولت قاجار از یک سو و همچنین نفوذ وی بر مناطق باختری مازندران و مناطق خاوری گیلان از دیگر سو، باعث شده بود تا سپهسالار تنکابنی و فرزندانش به طور مداوم مورد انتقاد روزنامه جنگل باشند. برای نمونه در شماره ۶ روزنامه، مطلبی به کنایه و توهین خطاب به محمودلی‌خان سپهسالار نوشته که از مصادیق ماده ۳۴ و ۳۶ قانون مطبوعات سال ۱۳۲۶ق است: «ما با یک دنیا تحیر و تأسف سواد مکتوب یک خائن دین و دولت را (محمودلی‌خان تنکابنی) عرضه انظار قارئین می‌نماییم...» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۶: ۴).

فرمانفرما شخصیت دیگری است که مورد انتقاد شدید روزنامه «جنگل» قرار گرفت: «فرمانفرما یعنی یک خائن دین و دولت. فرمانفرما یعنی یک مشرک بی وطن. فرمانفرما یعنی ننگ دودمان و خانواده قاجاریه. فرمانفرما یعنی آنکه گاهی به عشق چلو، لنگری را هم در عمارت گلستان طهران می‌بلعید...» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۹: ۳). در شماره دوم این روزنامه نیز امین‌الدوله مورد توهین قرار می‌گیرد و با عنوان «امین‌الدوله "معلوم‌الحال"» از او یاد می‌کند. (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۹: ۴).

ورود قوام‌السلطنه به هیئت وزرا با عکس‌العمل شدید روزنامه «جنگل» مواجه شد. در چندین شماره از روزنامه به عملکرد قوام‌السلطنه و برادرش وثوق‌الدوله به شدت اعتراض می‌شود. «کابینه ما پس از یک رشته تزلزل و بحرانی که عموم علاقه‌مندان به این آب و خاک را تهدید به انحلال می‌کرد علی‌رغم آمال وطن‌خواهان و مطابق آرزوی بدبینانی که لزوم ترمیم کابینه را به انواع سفسطه و لجاج جاهلانه ثابت می‌کردند بالاخره به عضویت یک عضو فاسد (قوام‌السلطنه) اصلاح گردید.» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۱۷، ۱)

با نگاهی به محتوای روزنامه «جنگل» موارد بسیاری از انتقاد و توهین به مقامات حکومتی و دولتی می‌توان یافت. با توجه به چنین رویکردی باید گفت که روزنامه رویکردی هجو و هزل‌گونه در مقابله با دشمنان خویش در پیش گرفته بود.

به کاربردن کلمات ناسزا

بر اساس ماده ۳۸ قانون مطبوعات سال ۱۳۲۶ق/۱۲۸۶ش «نوشتن فحش، ناسزا و الفاظ قبیحه، اکیداً ممنوع است». (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ کتابچه قانون مطبوعات ۱۳۲۶ق به خط عمادالکتاب، ۹-۴) اما استفاده از چنین عباراتی علیه رجال سیاسی از جرائم مکرر در روزنامه «جنگل» است: در شماره نخست، ذیل مطلب «قول را فعل لازم است» عبارت «یک جمع رذل بی‌شرف» ذکر شده است (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۱: ۲). در شماره هفدهم نیز درباره مخاطب‌السلطان، از واژه‌های «یک جوان "بی‌شرف"، "ردل"، "پررو"، "سمج" و "بی‌وجدان" یاد می‌کند. (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۱۷: ۵). نه تنها عبارات ناسزا در این روزنامه آمده، بلکه به رجال حکومتی و خاندان آنها توهین شده است. اما هیچ نشانی از برخورد قضایی مطابق مواد ۳۴ و ۳۶ قانون دیده نمی‌شود.

درج نامه‌های محرمانه

در شماره ششم، تصویر مکتوبی از طرف سپهسالار اعظم به نمایندگان بریتانیا و روسیه انتشار یافته که محرمانه است و طی آن از نظر دولت درباره اعطای امتیازاتی به بیگانگان اطلاعاتی می‌دهد (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۶: ۴). براساس قانون مصوب این دوره، «فاش نمودن و انتشار اسناد، دستورها و مسائل محرمانه، مذاکرات غیرعلنی» از جمله جرائمی است که در مطبوعات تحت تعقیب قرار می‌گیرد. اما روشن است که درج تلگراف محرمانه و غیرعلنی سپهسالار اعظم، کوچکترین ضربه‌ای به روال انتشار نشریه وارد نکرده‌است.

سرپیچی از قانون

علاوه بر نکات اشاره شده، اساساً انتشار روزنامه مراحل قانونی خود را طی نکرده بود و صرفاً بر اساس منویات و اراده هیأت اتحاد اسلام و جنگلی‌ها، مبنی بر تأسیس روزنامه جهت ارائه دیدگاه‌های شان، منتشر شده است؛ از این رو سنگ بنای روزنامه با سرپیچی از قوانین حاکم گذاشته شده بود. هیچ سندی در دست نیست که مدیر مسئول و هیأت گردانندگان روزنامه درخواستی جهت انتشار روزنامه به دولت ارسال کرده باشند. چنانکه در بخش‌های قبلی ذکر آن رفت، مجوز انتشار پیش از شماره نخست نشریه دریافت نشده و هیچ ارگان دولتی در گیلان نیز جرأت اعتراض به انتشار روزنامه را نداشت. این موضوع نخستین و مهم‌ترین تخلف روزنامه جنگل به شمار می‌رود.

نتیجه

نهضت جنگل در پاسخ به ناتوانی دولت مرکزی ایران در برابر زیاده‌خواهی‌های روسیه و انگلستان در گیلان شکل گرفت. گیلان عصر قاجار، به ویژه در دوره‌های پایانی آن، جلوه بارزی از ناکامی‌های دولت قاجار بود. روس‌ها عملاً در این دوران، این منطقه از ایران را جولانگاه خود نموده و فرمانروایی قاجارها در این ایالت تنها نامی ظاهری بیش نبود. جنگ جهانی اول، هجوم قوای روسیه و انگلستان به ایران، ناتوانی احمدشاه و دولت در اداره امور، آشفتگی اجتماعی و اقتصادی ایران و در پی آن گیلان، بر خرابی اوضاع افزود. در این زمان مطبوعات، که یکی از ابزارهای منتقدان این دوره بودند، از فرصت استفاده کردند و آزادانه به بیان نظرات خود پرداختند و در این راه حتی شیوه احترام و میانه‌روی را به کناری نهادند. توهین به رجال سیاسی، زیر سؤال بردن سیاست‌های خارجی دولت، ترسیم اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی، بدون واژه‌ها از برخوردهای حکومتی و ارائه تحلیل‌های صریح و هنجارشکنانه درباره اوضاع موجود ارائه کردند. یکی از روزنامه‌های این دوره، روزنامه «جنگل» بود که با در پیش گرفتن رویه‌ای ساختارشکنانه سعی در انتقاد از وضع حاکم بر کشور داشت. این روزنامه کارکردی شبیه به سایر روزنامه‌ها نداشت، زیرا هدف از تأسیس آن توسط هیأت اتحاد اسلام و جنگلی‌ها، انتشار مواضع، دیدگاه‌ها و بیانیه‌های آنان در برابر دشمنان داخلی، خارجی و دولت مرکزی بود. اساساً مهمترین خصلت و ویژگی این روزنامه اعتراض، توهین، انتقاد و سرزنش دولت مرکزی و حمله به مواضع روسیه و انگلستان و همچنین در هفده ماه پایانی حمایت از سیاست دوستی با بلشویک‌ها و دولت شوروی و همچنین حمایت از سیاست‌های آنان در ایران بود.

روزنامه «جنگل» پس از یک دهه از تصویب قانون مطبوعات در سال ۱۳۲۶ق/ ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش انتشار خود را آغاز کرد. اما شرایط آشفته ایران موجب شد تا نویسندگان روزنامه به راحتی بتوانند دیدگاه‌های خود را با زبانی عاری از ترس و وحشت درباره سیاست‌مداران و دولت مرکزی بیان دارند و حتی از تهمت و اتهام به سران دولت مضایقه نورزند. مدیران و نویسندگان روزنامه «جنگل» به دلیل این که در جغرافیای گیلان و بدون دغدغه دسترسی دولت و مأموران حکومتی منتشر می‌شد، در فضایی آزادانه به ارائه دیدگاه‌های خود می‌پرداختند. از این رو می‌توان این نشریه را، پیش از شکل‌گیری حکومت پهلوی و رضاشاه در ایران، یکی از آزادترین روزنامه‌ها در تاریخ مطبوعات برشمرد. هرچند این روزنامه به عنوان ناقض قانون عصر خود به شمار می‌رود، اما نویسندگان روزنامه به انتقاد از قانونی پرداختند که بدون در نظر گرفتن رضایت مردم و ترکیب جمعیتی و منافع طبقات جامعه ایران نگارش یافته بود، شکل‌گیری قیام‌های متعدد در اواخر عصر قاجار نسبت به تعدی حاکمان و نفوذ بیگانگان نشان‌دهنده سستی حکومت از یک سو و ضعف قوانین و عدم کارایی‌شان در ایران آن دوره است.

مؤلفه‌ها و مضامینی چون: عدالت‌طلبی، وطن‌خواهی، بیگانه‌ستیزی، اعتراض به دستگاه حکومت وقت، تحریض به قیام علیه ظلم، دغدغه‌های ملی‌گرایانه و میهن پرستانه، بیان نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، ناکارآمدی و فساد دولت‌ها در روزنامه جنگل بازتاب بیشتری یافت. بررسی و تحلیل محتوای مطالب روزنامه «جنگل» نشان می‌دهد آنچه امکان بیان این مؤلفه‌ها و مضامین ضد دولت مرکزی را فراهم ساخته، ناشی از هرج و مرج در سال‌های پایانی حکومت قاجارها و وقوع جنگ جهانی اول و اشغال شمال و جنوب کشور توسط نیروهای روسیه و انگلیس، بحران قحطی در کشور و مهمتر از همه فقدان ضمانت اجرایی برای قانون مطبوعات و دوری از دسترسی قضایی و عدم نفوذ حکومت مرکزی و حاکمیت ضعیف و سست حکام دست‌نشانده در ایالت گیلان بود.

منابع

۱. آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷
۲. آریان پور، یحیی (۱۳۸۷) *از صبا تا نیما*، ج ۱، تهران، زوار
۳. بدیعی، نعیم و قندی، حسین (۱۳۸۵) *روزنامه نگاری نوین*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
۴. پناهی، عباس (۱۳۹۶)، *ماخذ شناسی تحلیل جنبش جنگل*، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان.
۵. پناهی، عباس (۱۳۹۹) «تأثیر هیئت اتحاد اسلام بر تحولات سیاسی، فکری و نظامی جنبش جنگل»، فصلنامه علمی و پژوهشی *مطالعات تاریخی جنگ*، شماره ۱۳، ۱-۲۴
۶. پناهی، عباس (۱۴۰۰ الف)، *ماخذ شناسی تحلیلی انتقادی مشروطه ی گیلان*، رشت، انتشارات فرهنگ ایلیا.
۷. حاج سیدجوادی، حسن (۱۳۷۴) *نقش گیلان در انقلاب مشروطیت*، کتاب گیلان، جلد دوم، تهران، گروه پژوهشگران ایران.
۸. خمami زاده، جعفر (۱۳۷۴)، *جغرافیای تاریخی گیلان*، کتاب گیلان، ج ۱، تهران، گروه پژوهشگران ایران.
۹. رایینو، یاسنت لویی (۱۳۷۴) *ولایات دارالمرز ایران: گیلان*، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت، طاعتی.
۱۰. رواسانی، شاپور (۱۳۸۱)، *نهضت جنگل*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۱. زارعیان، داوود (۱۳۸۶)، *شناخت افکار عمومی*، تهران، جهاد دانشگاهی.
۱۲. سلسله روزنامه جنگل (نشریه نهضت انقلابی جنگل)، (۱۳۵۹)، تهران، انتشارات مولی.
۱۳. فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۴) *سردار جنگل*، تهران، انتشارات جاویدان
۱۴. کتابچه قانون مطبوعات ۱۳۲۶ق به خط عمادالکتاب، نشر مطبعه میرزا علی اصغر
۱۵. کریم حدیثی، علی (۱۳۹۲) «استقلال و حفظ هویت ملی در بررسی تحلیل محتوای روزنامه جنگل ارگان رسمی جنبش میرزا کوچک‌خان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۵، شماره ۳، ۱۷۹-۲۰۵
۱۶. کوچکپور، صادق (۱۳۶۹)، *نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گیلان و قزوین*، به کوشش سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی، رشت، گیلکان.
۱۷. گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۳) *میرزا کوچک خان جنگلی*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل
۱۸. متولی، عبدالله (۱۳۹۰) «رویکردها و نگرشهای اساسی در روزنامه جنگل»، *جستارهای تاریخی*، سال دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۹۵-۱۱۵
۱۹. معتمدزاد، کاظم (۱۳۸۲)، *حقوق مطبوعات*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ج ۱، چ سوم.
۲۰. معتمدزاد، کاظم (۱۳۸۵)، *وسایل ارتباط جمعی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ج ۱.
۲۱. میرزا نژاد، هادی و بهنام رضانی (۱۳۹۶) *روزنامه جنگل*، رشت، انتشارات فرهنگ ایلیا
۲۲. نعمتی لیمائی، امیر (۱۳۸۹)، *مجموعه روزنامه های جنگل*، مشهد، امید مهر.
۲۳. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره اول
۲۴. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره ششم
۲۵. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره هشتم
۲۶. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره نهم
۲۷. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره یازدهم
۲۸. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره چهاردهم
۲۹. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره پانزدهم
۳۰. روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره هفدهم
۳۱. روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره بیست و دوم
۳۲. روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره بیست و پنجم